

پیامدهای اقتصادی جنگ‌های دوران خلافت امام علی علیه السلام

وجیهه گل‌مکانی / دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس / golmakani14@gmail.com
هادی وکیلی / دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد / Vakili355@yahoo.com
تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۶/۱۶ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۴/۱۰/۲۴

چکیده

جنگ‌های سه‌گانه‌ای که امام علی علیه السلام در دوره حاکمیت کوتاه‌مدت خود بدان گرفتار شد، پس از بحران رده، عمده‌ترین آشوب‌های داخلی جامعه اسلامی به شمار می‌رفت که تبعات سنگینی را بر نظام علوی تحمیل کرد. بررسی این جنگ‌ها، از آن حیث که به مثابه عمده‌ترین عامل در ناامنی اقتصادی این دوره عمل کردند، اهمیت دارد. پرسش عمده‌ای که این مقاله می‌کوشد تا به تبیین آن همت گمارد، این است که جنگ‌های داخلی تا چه میزان بر ساختار اقتصادی حکومت امام علی علیه السلام اثرگذار شدند؟ یافته‌های این پژوهش که بر روش توصیفی - تحلیلی مبتنی است، نشان می‌دهد که غارت اموال عمومی توسط کارگزاران معزول اموی، از بین رفتن منابع مالی در اختیار حکومت برای هزینه‌های جنگ و تأمین اجتماعی، تخریب زیرساخت‌ها و حذف بخش عمده‌ای از منابع درآمدی بیت‌المال در اثر هرج و مرج و شورش، پیامدهایی بودند که صدمات جبران‌ناپذیری بر اقتصاد حکومت امام علیه السلام وارد نمودند.

کلیدواژه‌ها: امام علی علیه السلام، اقتصاد، جنگ، خراج، غارات، بیت‌المال، جزیه.

مقدمه

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، جنگ‌های داخلی به مدت کوتاهی حکومت ابوبکر را تهدید کرد. بعد از آن برنامه خلفا برای توسعه قلمرو جغرافیایی اسلام، تشنجات و دشمنی‌های داخلی را به بیرون منتقل کرد و به جنگ‌های موسوم به «فتوحات» انجامید. این فتوحات، علاوه بر افتخار، غنائم بی‌شماری به ارمغان آورد و ارزش اقتصادی بالایی نیز به همراه داشت. آنچه در منابع تاریخی، از رشد خیره‌کننده درآمد بیت‌المال، فراوانی عطایا و کثرت اموال بخشی از مسلمانان و صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده، همگی حاصل فتوحات است.

تا زمان خلافت امام علی علیه السلام، به دلیل توسعه فتوحات، منابع مالی وابسته به جنگ مانند خراج زمین‌های فتح‌شده، جزیه و غنائم جنگی، سهم زیادی در عایدات بیت‌المال داشتند؛ اما توزیع آن‌ها شکلی ناعادلانه داشت. سیاست‌های خلیفه دوم در ترتیب دیوان و ترجیح گروه‌های مختلف بر یک‌دیگر در سهم‌بری از عطایای بیت‌المال، سبب اختصاص امتیازات و امکانات عمومی به برخی گروه‌های خاص و ترجیح عرب بر عجم، مهاجران بر انصار و اصحاب بدری بر دیگران شد. در کنار ثروت‌های هنگفت این گروه‌ها، توده‌های مردم در فقر و بیچارگی به سر می‌بردند. سخن امام علی علیه السلام در مورد اوضاع اقتصادی عموم مردم در آغاز خلافت، شاهد این ادعاست:

«... اضْرَبْ بِطَرْفِكَ حَيْثُ شِئْتَ مِنَ النَّاسِ فَهَلْ تُبْصِرُ إِلَّا فَقِيرًا يُكَابِدُ فَقْرًا أَوْ غَنِيًّا بَدَلْ نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا أَوْ بَخِيلًا اتَّخَذَ الْبُحْلَ بِحَقِّ اللَّهِ وَفَرًّا أَوْ مُتَمَرِّدًا كَانَ بِأُذُنِهِ عَنْ سَمْعِ الْمَوَاعِظِ...»
(ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۲۴۴)

در چنین اوضاعی، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های حکومت امام علی علیه السلام، صیانت جدی از اموال عمومی برای توزیع عادلانه آن‌ها و رفع تبعیض‌های اقتصادی بود. تلاش‌های امام در مدیریت درست منابع مالی بیت‌المال به این منجر شد که در اواخر حکومت کوتاه‌مدت علوی، مهم‌ترین امکانات معیشتی، حتی برای ضعیف‌ترین قشرهای اقتصادی فراهم گردید و

رفاه اقتصادی نیز افزایش چشم‌گیر یافت. عبدالله مخبره از امام (ع) درباره وضعیت اقتصادی مردم کوفه چنین نقل کرده است:

مَا أَصْبَحَ بِالْكُوفَةِ أَحَدٌ إِلَّا نَاعِمًا إِنَّ أَذْنَاهُمْ مَنَزَلَةٌ لِّيَأْكُلُ الثَّبَرَّ وَ يَجْلِسُ فِي الظِّلِّ وَ يَشْرَبُ مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ؛ (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۱۰۲/مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۰، ص ۳۲۷)

در کوفه کسی شب را به صبح نمی‌رساند، مگر با یک زندگی راحت؛ پایین‌ترین مردم از نظر شغل، نان‌گندم می‌خورند و خانه دارند و از آب گوارا (فرات) می‌نوشند. (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۲۵۷)

افزایش رفاه اقتصادی، در حالی به وقوع پیوست که از سویی به دلیل کم شدن درآمدهای حاصل از فتوحات، منابع مالی حکومت امام علی (ع) از طریق جزیه، خراج و غنائم، نسبت به حکومت‌های سه خلیفه قبل کاهش چشم‌گیری داشت. از سوی دیگر، مخارج حکومت نیز افزایش یافت و جنگ‌های داخلی، مهم‌ترین دلیل این افزایش بود. تلاش‌های علمی زیادی برای بررسی و تحلیل ابعاد اقتصادی حکومت امام علی (ع) به عنوان تنها تجربه عملی نظام اقتصادی مورد تأیید اسلام پس از رسول خدا (ص) انجام شده است. همه این تحلیل‌ها، نیازمند داده‌های تاریخی موثق است که تنها از طریق پژوهش‌های تاریخی حاصل خواهد شد؛ اما پژوهش‌های تاریخی مرتبط با حکومت امام علی (ع) بیش‌تر به مباحث سیاسی - اجتماعی توجه دارد و به مسائل اقتصادی این دوره حساس و مهم تاریخی کم‌تر پرداخته است. جلد هفتم *دانش‌نامه امام علی (ع)*، بخش دوم اثر احمدعلی یوسفی به نام «سیره اقتصادی امام علی (ع) در اداره حکومت» و جلد سوم کتاب *سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب*، نوشته علی‌اکبر ذاکری، از جمله این تلاش‌هاست که به بررسی تاریخی موضوعات اقتصادی حکومت امام (ع) اختصاص دارد؛ اما هیچ‌کدام به مسائل اقتصادی مرتبط به جنگ‌ها نپرداخته‌اند که این مقاله اهتمام به انجام دادن آن دارد.

مهم‌ترین پیامدهای اقتصادی جنگ‌های دوران خلافت امام علی (ع)

امیرالمؤمنین (ع) در مدت کوتاه خلافت خود، گرفتار سه جنگ داخلی شدند که علاوه بر وارد نمودن خسارت‌های معنوی و ایجاد مانع برای اصلاحات مورد نظر ایشان در جهت احیای سیره نبوی، سبب تحمیل تلفات جبران‌ناپذیری نیز بر منابع اقتصادی حکومت شد. این جنگ‌ها که پس از منازعات ناشی از رحلت رسول خدا (ص)، از مهم‌ترین آشوب‌های داخلی مسلمانان محسوب می‌شوند، پیامدهایی به مراتب سنگین‌تر از جنگ‌های رده به دنبال داشت. البته علل و ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مهمی نیز سبب‌ساز وقوع آن‌ها بود که پس از پیامبر (ص) به وجود آمده بود. آنچه در همه این جنگ‌ها مشترک است، پیامدهای منفی متعدد بر پیکره اقتصادی جامعه اسلامی بود که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. هزینه‌های اقتصادی مستقیم

اگرچه جنگ‌های نهروان و جمل یک روز بیشتر طول نکشیدند، از زمان حرکت سپاهیان امام از محل حرکت تا بصره و نهروان، خورد و خوراک سپاهیان، تجهیز آنان به سلاح، رسیدگی به مرکب سواران، خدمات پزشکی و ... هزینه‌های مخصوص به خود را داشت. جنگ صفین هم آن قدر طولانی بود که هزینه‌های پشتیبانی و تدارکات زیادی را می‌طلبید. این هزینه‌ها، به نحو منطقی باید از بیت‌المال - به عنوان منبع درآمدی خلیفه برای مصارف عمومی - پرداخت می‌شد. مخارج نظامیان حقوق‌بگیر را هم باید بر این موارد افزود. شاهد این ادعا، بخشی از نامه امام (ع) به مالک اشتر است که می‌نویسد:

... لَا قَوَامَ لِلْجُنُودِ إِلَّا بِمَا يُخْرِجُ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْخَرَاجِ الَّذِي يَقْوُونَ بِهِ عَلَيَّ جِهَادِ عَدُوِّهِمْ وَ يَعْتَمِدُونَ عَلَيْهِ فِيمَا يُصْلِحُهُمْ وَ يَكُونُ مِنْ وَرَاءِ حَاجَتِهِمْ. (ابن ابی

الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۷، ص ۴۸)

در کتاب پیکار صفین روایتی به نقل از محمد بن مخنف، از سپاهیان امام (ع)، آمده است که نشان می‌دهد بعضی از شرکت‌کنندگان در جنگ صفین، حقوق‌بگیر نبودند، (منقری، ۱۳۸۲، ص ۱۸۳) با وجود این، معلوم نیست هزینه‌هایی مانند خوراک این افراد را خودشان پرداخت کرده باشند؛ به ویژه با امکانات آن زمان که شرایط حمل و نگهداری آن‌ها وجود نداشته است. ظاهراً این موارد، از شهرها و روستاهای مسیر حرکت و به وسیله هزینه بیت‌المال تأمین می‌شده است. نامه امام (ع) به فرمانده سپاه صفین که آن را نصر بن مزاحم، روایت می‌کند، این احتمال را تقویت می‌نماید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ عَبْدِ اللَّهِ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكُمْ وَإِلَى أَهْلِ الذِّمَّةِ مِنْ مَعَرَّةِ الْجَيْشِ إِلَّا مِنْ جَوْعَةٍ إِلَيَّ شِبَعَةٍ وَمِنْ فَقْرٍ إِلَيَّ غَنِيٍّ أَوْ عَمِّي إِلَيَّ هُدًى... (منقری، ۱۳۸۲، ص ۱۲۵)

این مطلب، نشان می‌دهد امکانات و آذوقه مورد نیاز سپاه در مسیر حرکت تأمین می‌شده؛ اما امام بر رعایت حقوق مردم تأکید دارد. روش ایشان در پرداخت بهای مالی اموال مشابه، مؤید مطلب فوق است. در ماجرای استقبال مردم منطقه انبار از آن حضرت که ابن‌اعثم روایت می‌کند، آمده است که آن حضرت پذیرش هدایا و اطعمه را مشروط به کسر بهای آن از خراجشان می‌داند. (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۵۵۵)

هزینه‌های پنهان اقتصادی ناشی از تلفات انسانی مسلمانان

پیامدهای اقتصادی تلفات بالای نیروی انسانی، برای حکومت بسیار سنگین بود. خلیفه می‌بایست به مسائل و مشکلات اقتصادی خانواده‌های همه کشته‌شدگان دو طرف جنگ رسیدگی می‌کرد که جزیی از پیکره جامعه اسلامی به شمار می‌آمدند. بی‌شک امام (ع) در برابر خانواده و فرزندان شهدای جنگ‌ها، متعهد بودند و ظاهراً یکی از شیوه‌های حمایت از آنان، رسیدگی به وضعیت معیشتی این افراد بوده است. این شکل حمایت را می‌توان از سیره امام مجتبی (ع) در مفاد صلح‌نامه با معاویه حدس زد که سهمی از بیت‌المال را متعلق

به بازماندگان شهدای جمل و صفین می‌دانست. (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۱۲) حضرت علی علیه السلام نیز به مالک اشتر توصیه می‌کند، به گونه‌ای نقش جانشین را برای خانواده شهدا ایفا کند که احساس از دست دادن سرپرست خانواده در آنان مشاهده نشود. امام علیه السلام می‌فرماید:

... وَ إِنْ اسْتُشْهِدَ أَحَدٌ مِنْ جُنُودِكَ وَ أَهْلُ التَّكَايَةِ فِي عَدُوِّكَ فَاحْلُفْهُ فِي عِيَالِهِ بِمَا يَخْلُفُ بِهِ الْوَصِيُّ الشَّفِيقُ الْمُؤْتَقُ بِهِ حَتَّى لَا يُرَى عَلَيْهِمْ أَثَرُ فَقْدِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَعْظِفُ عَلَيْكَ قُلُوبَ شِيعَتِكَ وَ يَسْتَشْعِرُونَ بِه طَاعَتَكَ وَ يَسْلَسُونَ لِرُكُوبِ مَعَارِضِ التَّلَفِ الشَّدِيدِ فِي وَلَائِكَ... (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۳۴)

جنگ‌های جمل و صفین بسیار سنگین بودند و کشته‌های بسیاری به جا گذاشتند. بیش‌تر تاریخ‌نگاران، تلفات انسانی جنگ صفین را هفتاد هزار نفر کشته شامل ۴۵ هزار نفر از لشکر شام و ۲۵ هزار نفر از لشکر عراق دانسته‌اند. (برای نمونه، رک: خلیفه، ۱۴۱۵، ص ۱۱۷؛ نویری، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۵۵؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۰۸) مسعودی رقم ۱۱۰ هزار کشته (نود هزار شامی و بیست هزار عراقی) را هم درباره صفین گزارش کرده است، (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷۵۱) ابن‌اعثم در این باره گفته که کشته‌های طرفین فقط در لیلۃ‌الهریر، ۳۶ هزار تن بود و هنوز جنگ برقرار بود. (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۸۱) شدت درگیری‌های لیلۃ‌الهریر در صفین را از بعضی روایات تاریخی می‌توان حدس زد. زیادبن‌نصر حارثی، از سپاهیان امام علی علیه السلام، می‌گوید:

... ثُمَّ صِرْنَا إِلَى الْمُسَايِفَةِ فَاجْتَلَدْنَا بِهَا إِلَى نَصْفِ اللَّيْلِ حَتَّى صِرْنَا نَحْنُ وَ أَهْلُ الشَّامِ فِي الْيَوْمِ الثَّالِثِ يُعَانِقُ بَعْضُنَا بَعْضًا وَ قَدْ قَاتَلْتُ لَيْلَتَيْهِ بِجَمِيعِ السَّلَاحِ فَلَمْ يَبْقَ شَيْءٌ مِنَ السَّلَاحِ إِلَّا قَاتَلْتُ بِهِ حَتَّى تَحَاثَيْنَا بِالثَّرَابِ وَ تَكَادَمْنَا بِالْأَفْوَاهِ... (منقری، ۱۳۸۲، ص ۳۶۹)

جمل نیز از سنگین‌ترین نبردهای داخلی بوده است. به گزارش شیخ مفید، تعداد کسانی که در این جنگ دست و پایشان قطع شد و پس از آن از شدت جراحات مردند، به

چهارده هزار تن رسید. (مفید، ۱۴۱۳، ص ۴۱۹) پس از پایان پیکار، امام نیز در نامه‌ای که برای مکه ارسال فرمود، از کشتار بالای هر دو جبهه و کشته شدن سرشناسان و بزرگان سپاه خود سخن به میان آورد. (طبری، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۲۴۷۵) نیز در نامه‌ای که به کوفه نگاشت، برای روشن کردن عمق فاجعه، درباره تعداد کشته‌شدگان اظهار فرمود که شمار آنان را کسی جز خدا نمی‌داند. (مفید، ۱۴۱۳، ص ۴۰۳) درباره آمار تلفات جنگ نهروان نیز آنچه شهرت یافته و در کتب تاریخی آمده، حدود چهار هزار کشته از خوارج و کم‌تر از ده نفر از اصحاب امیرمؤمنان (ع) است. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۷۷ / یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹۳)

در ذکر تعداد کشته‌شدگان این جنگ‌ها، اختلاف زیادی وجود دارد و بسیاری از نقل‌ها بدون سند و با تعبیر «گفته‌اند»، «گفته می‌شود» و «الله اعلم» آمده که نشانه دقیق نبودن آمار کشتگان است. چنان‌چه نتایج تحلیل پژوهش‌گران معاصر در بررسی آمار واقعی تلفات جنگ‌های دوران خلافت امام علی (ع) را بپذیریم (صادقی، ۱۳۸۰، ش ۷، ص ۵۷)، تلفات انسانی دو گروه در جنگ جمل، ۵۵۰۰ نفر (ابن خیاط، ۱۴۱۵، ص ۱۱۲)، در صفین ده هزار نفر (منقری، ۱۳۷۰، ص ۷۷۳) و در نهروان هزار تا ۱۸۰۰ نفر بوده است. (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۶۳۱؛ مسعودی، ۱۳۶۵، ص ۲۷۳) با پذیرفتن همین نتیجه نیز جامعه اسلامی طی این سه جنگ، حداقل شانزده هزار نفر تلفات نیروی انسانی داشته است که تنها، محاسبه هزینه‌های اقتصادی، و حمایت‌های اجتماعی از بازماندگان افراد غیرمتمکن جامعه، رقم کمی نخواهد شد، به خصوص که این جنگ‌ها مانند فتوحات نبود و هزینه‌های اقتصادی ناشی از جنگ به وسیله درآمدها و غنایم جنگی جبران نمی‌شد؛ پس قطعاً افزایش مخارج دولتی حکومت امام (ع) را به دنبال داشت. هم‌چنین با توقف فتوحات و عدم اشتغال مسلمانان به جنگ، آن‌ها می‌بایست برای کسب درآمد، به تولید و فعالیت‌های اقتصادی پرداختند؛ لذا کاهش سطح تولید ملی را هم نباید فراموش کرد که از کشته شدن و کاهش حداقل شانزده هزار نیروی کار ناشی می‌شد.

۲. غارت بیت‌المال بصره و خسارت به منابع مالی حکومت

مقارن با خلافت امام علی علیه السلام، نواحی شرق خلافت، از دو مرکز اصلی هدایت و نظارت می‌شدند: کوفه بر ولایات غربی ایران و عراق مرکزیت داشت و بصره، نواحی فارس، خوزستان، کرمان، سیستان، بحرین و خراسان را اداره و کنترل می‌کرد. درآمد این مناطق پس از کسر هزینه‌های جاری، به بیت‌المال این دو مرکز اصلی منتقل می‌شد. (هروی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۱) شورشیان جمل نیز در انتخاب این شهر برای نبرد، به موقعیت ممتاز آن در دنیای اسلام توجه داشتند. عزیمت آن‌ها به بصره به عنوان پایگاه مخالفت سیاسی - نظامی، از سر تصادف نبود. آن‌ها حساب خاصی برای منابع مالی پشتیبان جنگ در این شهر باز کرده بودند؛ لذا تسلط و غارت بیت‌المال بصره، از اولین وقایعی بود که در این شورش انجام شد. طلحه و زبیر پس از دستگیری و شکنجه عثمان بن حنیف و جنگ با وفاداران بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام، بیت‌المال بصره را تصرف نمودند و بخشی از اموال آن را میان طرفداران خود تقسیم کردند. سپس هریک جداگانه تصمیم بر قتل زدن به درهای بیت‌المال و قراردادن محافظ بر آن داشتند تا این که عایشه دستور داد پسرخواهرش (عبدالله بن زبیر) از طرف او سه روز بر در بیت‌المال مهر بزند:

«...و رجع طلحة و الزبير فزلا دار الإمارة و غلبا علي بيت المال فتقدمت عائشة بحمل مال منه لتفرقه في أنصارها و دخله طلحة و الزبير في طائفة من أنصارهما و احتملا منه شيئاً كثيراً فلما خرجا نصبا علي أبوابه الأقفال و وكلا به من قبلهما قوماً فأمرت عائشة بختمه فبرز لذلك طلحة ليختمه فمنعه الزبير و أراد أن يختمه الزبير دونه فتدافعا فبلغ عائشة ذلك فقالت يختمان و يختم عني ابن أختي عبدالله بن الزبير فختم يومئذ بثلاثة ختم». (مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۸۴)

با توجه به اهمیت شهر بصره و عدم اعتماد متحدان جمل با یک‌دیگر برای تصرف موجودی بیت‌المال این شهر، می‌توان حدس زد که آن‌چه در این مرکز وجود داشته، آن‌قدر زیاد بوده که آنان را به چنین رسوایی و اختلافی وا داشته است. تهی شدن موجودی

بیت‌المال چنین مرکز مهمی، قطعاً پیامدهای مالی مختلفی نیز برای حاکم اسلامی داشته و موجب اختلال در اداره منطقه شده است. شورشیان هم توانستند با دستیابی به این منابع مالی، مخارج جنگ را تأمین کنند و حتی با تقسیم دارایی‌های بیت‌المال در میان گروه‌های موافق خود، به جمع‌آوری طرفداران بیشتری برای جنگ پردازند. هنگامی که به دستور طلحه، اموال بیت‌المال به صورت ناعادلانه بین مردم تقسیم شد و سهم بیشتری به اتباع شورشیان و خرمان بران ایشان تعلق گرفت، تفرقه‌ای میان مردم بصره به وجود آمد که سبب کشتار تعداد زیادی از مردم شد. این تقسیم از اموال بیت‌المال، سبب گردید تا افراد عبدالقیس و بسیاری از بکر بن وائل، به سمت بیت‌المال حرکت کنند و در آنجا میان این افراد با طرفداران قیام طلحه و زبیر درگیری صورت گرفت. (طبری، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۹)

اموال بیت‌المال در نظر شورشیان، ابزاری برای تحقق مقاصد سیاسی بود؛ لذا دستیابی آنان بر بیت‌المال بصره، افزایش توان نظامی و اقتصادی اصحاب جمل را به دنبال داشت و سبب تحریک تعداد بیشتری از مردم بصره برای شرکت در نبرد جمل شد.

۳. هرز دادن امکانات بیت‌المال توسط کارگزاران معزول اموی

یکی از موضوعاتی که در جنگ جمل توجه رهبران آن را به خود مشغول ساخت، بالا بردن توان مالی بود تا بتوانند افراد بیشتری را به سمت خود جذب کنند. این مشکل خیلی زود حل شد؛ زیرا والیان سابق عثمان، تأمین هزینه‌های مالی آن را به عهده گرفتند. هزینه جنگ جمل، عمدتاً توسط استانداران عثمان تأمین شد که در دوران حکومت امیرمؤمنان علی (ع) برکنار شدند. آن‌ها در دوران خلافت عثمان، ثروت‌های هنگفتی به دست آورده بودند. با انتخاب امام علی (ع) به عنوان خلیفه و قاطعیت ایشان در اصلاحات اقتصادی به ویژه توزیع عادلانه درآمدهای اقتصادی جامعه و جلوگیری از تخصیص امکانات و امتیازات به صاحبان قدرت، این افراد منافع و موقعیت خود را در خطر دیدند و هر چه از اموال، افراد و سلاح‌هایی که در مدینه و غیر آن داشتند، گرد آوردند و به منظور جلوگیری

از برگرداندن آن‌ها به بیت‌المال، به مکه گریختند. امام علیه السلام نیز نیت امویان و هدف آنان را از فرار به مکه همراه با پول و سلاح درک کرده بود؛ لذا بر آنان سخت گرفت و مانع از خروج آنان شد:

«و اشدت علی قریش، و حال بینهم و بین الخروج علی حال، و انما هیجه علی ذلک هرب بنی امیه و تفرق القوم». (طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۶۳۷)

عبدالله بن ابی ربیع، استان‌دار صنعا، یکی از این افراد بود. او برای کمک به عثمان، از صنعا خارج شد و در نیمه راه از قتل خلیفه سوم آگاه گردید و هنگامی که شنید عایشه مردم را برای گرفتن انتقام خون عثمان دعوت می‌کند، از همان‌جا به مکه رفت و در مسجد اعلام کرد: هر کس به قصد خون‌خواهی عثمان بیرون رود، وسایل مورد نیاز او را فراهم می‌کند. (مفید، ۱۴۱۶، ص ۲۳۱) او در جریان جنگ جمل، ده‌هزار دینار (مفید، ۱۴۱۶، ص ۲۳۲)، ششصد شتر و ششصد هزار درهم برای نبرد با امام علی علیه السلام هزینه کرد. (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۳۴۶) عبدالله بن عامر استان‌دار عثمان در بصره بود. او نیز با اموال بسیاری از بصره به مکه گریخت و نقشه تصرف بصره را برای طلحه و زبیر و عایشه طراحی کرد. (طبری، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۹) هم‌چنین یعلی بن منیه کارگزار عثمان در یمن، هرچه توانست مالیات جمع کرد و با آن اموال به شورشیان پیوست. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۰۲) ابن‌اعثم رقم پرداختی این فرد را به زبیر، برای تجهیز لشکر شورشیان شصت هزار دینار ذکر کرده است.

و قدم یعلی بن منیه من الیمن، و قد کان عاملاً علیها من قبل، فقدم و معه أربعمائه بعیر فدعا الناس إلى الحملان، فقال له الزبیر: دعنا بین إبلک هذه، هات فأقرضنا مما لك ما نستعین به علی ما نرید، فأقرضهم ستین ألف دینار، ففرقها الزبیر فیمن أحب ممن خف معه. (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۵۳)

زبیر در به‌کارگیری اموال مسلمانان که به بیت‌المال تعلق داشت تردید نکرد، آن‌هم به‌کارگیری متمرکز امکانات مالی کارگزاران اموی برای راه‌اندازی جنگ داخلی میان مسلمانان در جهت تمرد علیه خلیفه جدیدی که تنها او مشروعیت تصرف در این اموال را

در جهت منافع مسلمانان داشت. زییر با به‌کاربردن تعبیر «اموال» به جای «اموال مسلمانان»، عمل ابن‌منیه را در تصرف اموال بیت‌المال به رسمیت شناخت. (همان)

هنگامی‌که امیرمؤمنان علی (ع) از اقدامات عبدالله بن ابی‌ربیع و یعلی بن امیه آگاه شد، با تأکید بر این که این اموال از بیت‌المال یمن سرقت شده، سوگند خورد در صورت دستیابی به آنان مجازاتشان خواهد نمود:

وَاللَّهِ إِنْ ظَفِرْتُ بِأَبْنِ مُنِيَّةٍ وَابْنِ أَبِي رَبِيعَةَ لَأَجْعَلَنَّ أَمْوَالَهُمَا فِي مَالِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ قَالَ بَلَّغْنِي أَنَّ ابْنَ مُنِيَّةٍ بَذَلَ عَشْرَةَ آلَافٍ دِينَارٍ فِي حَرْبِي مِنْ أَيْنَ لَهُ عَشْرَةُ آلَافٍ دِينَارٍ سَرَقَهَا مِنَ الْيَمَنِ ثُمَّ جَاءَ بِهَا لَيْنٌ وَجَدْتُهُ لَأَحْذَنُهُ بِمَا أَقْرَبَ بِهِ.

(مفید، ۱۴۱۶، ص ۲۳۳)

گسترده‌ترین تصرفات کارگزاران عزل‌شده اموی بر اموال مسلمانان توسط معاویه صورت گرفت. او نخستین بار در زمان خلافت عمر، به مقام استان‌داری دمشق رسید. هنگامی‌که برادرش در حادثه طاعون درگذشت، عمر قلمرو یزید را نیز به معاویه سپرد و او را به امارت شام منصوب کرد. (واقعی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۴۱۴-۴۱۵) پس از درگذشت کارگزار منطقه فلسطین (عبدالرحمان بن علقمه کنانی)، این منطقه هم به استان‌داری او الحاق گردید. زمانی که عمیر بن سعد انصاری کارگزار حمص بیمار شد، حمص نیز به قلمرو فرمان‌روایی معاویه ضمیمه گردید (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۱۹۵) و بدین ترتیب، وی در زمان خلافت عثمان، به یک اقتدار سیاسی گسترده نایل شد، به‌گونه‌ای که اقتدار هیچ کارگزار دیگری در هیچ سرزمینی با آن هم‌سنگ نبود. (منتظری مقدم، ۱۳۸۱، ص ۲۹)

معاویه در تلاش برای کسب قدرت و ثروت، حداکثر بهره‌برداری را از پایگاه اقتصادی محکمی که در شام به آن دست یافته بود، به عمل آورد و ثروت‌های این منطقه، به مهم‌ترین ابزار مقاومت و استقلال‌طلبی او در مقابل حکومت امام (ع) تبدیل شد. در تمام مدت خلافت امیرالمؤمنین به ویژه در جنگ صفین، ثروت ذخیره شده در بیت‌المال شام، مهم‌ترین یاور معاویه برای مقابله با خلیفه عادل بود. ابن‌اعثم می‌گوید: «معاویه، دهان مخالفان را با مال دنیا می‌بست». (ابن‌اعثم، ۱۳۷۲، ص ۶۰۹) در جنگ صفین، مردی از

بنی تغلب در پاسخ به سؤال امام که پرسیده بود: «چرا معاویه را برگزیده‌اند؟» گفت: «... ما آثاره، ولکنّا أثرنا القسب الأصفر، والبرّ الأحمر، والزیت الأخضر». (توحیدی، ۱۴۲۴، ص ۱۹۹) براساس منابع تاریخی، بخش زیادی از منابع مالی بیت‌المال شام در جریان جنگ صفین، برای جذب اشراف و بزرگان قبایل به سوی معاویه هزینه شده است. (برای نمونه نک: ابن‌اعثم کوفی، ۱۳۷۲، ص ۵۸۲، ۵۸۷ و ۶۱۵-۶۱۶) نصرین‌مزاحم در این باره می‌نویسد:

عکیان و اشعریان، با معاویه شرط کرده بودند که در صورت ابراز دلیری و پایداری، علاوه بر مقرری، پاداش کلانی نیز به آنان تعلق گیرد؛ معاویه چندان مال به ایشان بخشید که از سست‌دلانی که در سپاه عراق بودند کس نماند، مگر آن‌که به معاویه گرایش یابد و بدو چشم‌داشتی پیدا کند، و این ماجرا در میان مردم رواج یافت. (منقری، ۱۳۷۰، ص ۵۹۵)

۴. پیامدهای اقتصادی ناشی از تجزیه قلمرو اسلامی

یکی از مهم‌ترین نتایج جنگ صفین، برگزیده شدن معاویه به‌عنوان امیر مستقل شامیان، هموار شدن مسیر او برای رسیدن به خلافت و به دنبال آن تجزیه قلمرو اسلامی بود. نتیجه طبیعی تجزیه نیز هرج و مرج و شورش و قتل و غارت بود که به شدت امنیت اقتصادی حکومت امام علیه السلام را تضعیف نمود. حذف منابع درآمدی مناطقی که معاویه با شورش از سیطره حکومت علوی جدا می‌کرد، از جمله منطقه بااهمیت مصر، جدال بر سر گرفته مالیات‌ها به ویژه در مناطق مرزی و ضربه زدن به آبادانی‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی سرزمین‌های زیر سیطره خلافت امام در جریان غارات، مهم‌ترین مواردی بود که صدمات جدی به بنیه اقتصادی و منابع درآمدی دستگاه خلافت امام علیه السلام وارد نمود. هم‌چنین ضعف حکومت مرکزی که به دلیل کارشکنی‌های معاویه به وجود آمده بود، فرصت مناسبی در اختیار سایر مخالفان از جمله خوارج قرار داد تا با شورش و پرداخت نکردن مالیات، مشکلات اقتصادی را تشدید کنند.

۱-۴. حذف منابع درآمدی مصر و جزیره

در نواحی حوزه نیل، به برکت آب و هوای مساعد آن، سالی سه بار محصول برمی‌داشتند و از این جهت، در واقع مصر انبار غلهٔ بیزانس به‌شمار می‌رفت. (لنکرانی، ۱۳۷۶، ص ۳۹) مصر در سال بیست هجری، به دست مسلمانان فتح شد. (طبری، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۵۱۲) معاویه پس از برخورداری از مشروعیت خلافت شام در جریان حکمیت، به تسلط بر این منطقه قناعت نکرد و با توطئه و قتل کارگزاران امام در مصر و جزیره، این مناطق را هم تصرف کرد و این تسلط موجب تقویت اقتصادی او شد: «لَمَّا قُتِلَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ وَظَهَرَ مُعَاوِيَةُ عَلَى مِصْرَ قَوِيَ أَمْرُهُ وَكَثُرَتْ أَمْوَالُهُ...». (ثقفی، ۱۳۵۳، ص ۱۳۳) رقم‌های بالای خراج مصر، نشان‌دهنده اهمیت اقتصادی فوق‌العاده این منطقه برای حکومت‌ها و از جمله حکومت امیرالمؤمنین است. بلاذری درباره میزان خراج مصر در زمان تسلط عمروعاص بر این منطقه می‌نویسد:

فتح عمرو بن العاص مصر سنة عشرين و معه الزبير فلما فتحها صالحه أهل البلد علي وظيفة وظفها عليهم و هي ديناران علي كل رجل و أخرج النساء و الصبيان من ذلك، فبلغ خراج مصر في ولايته ألفي ألف دينار فكان بعد ذلك يبلغ أربعة آلاف ألف دينار. (بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۲۱۶)

با توجه به اهمیت رونق و حجم درآمدهای مناطق شام و مصر، می‌توان ادعا کرد که جدا شدن مصر و جزیره و کاهش منابع درآمدی و مالی ارسال‌شده به مرکز خلافت امام از این مناطق، جزو بزرگ‌ترین ضربات اقتصادی وارده به پیکر حکومت علوی بوده است.

۲-۴. حذف بخشی از منابع درآمدی بیت‌المال در اثر تشتت در گرفتن مالیات‌های مناطق مرزی

نتیجه بعدی تجزیه خلافت اسلامی، تشتت در گرفتن مالیات‌ها بود. از آن‌جا که نپرداختن زکات و صدقات به خلافت اسلامی، به معنای نافرمانی بوده است، وجود دو مدعی خلافت در جامعه اسلامی، سبب رقابت دو طرف در گرفتن مالیات یعنی فرمان‌بردار کردن مناطق مختلف اسلامی شد. (نک: ثقفی، ۱۳۵۳، ص ۴۶۳) نمونه‌هایی از این رقابت به قرار ذیل بود:

۱-۲-۴. اخذ اموال زکات منطقه تیماء

معاویه برای گرفتن زکات مناطق زیر سلطه امام علی علیه السلام، عبدالله بن مسعود بن کلم را همراه ۱۷۰۰ تن به تیماء فرستاد و دستور داد به هر کس از مردم بادیه می‌گذرد، زکات اموالش را بگیرد و چنانچه از دادن زکات مال خویش امتناع ورزید، خونش را بریزد. (طبری، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۵۰) فرستاده امام علیه السلام به نام مسیب بن نجبه فزاری، در منطقه تیماء با عبدالله بن مسعود جنگید و آن‌ها را شکست داد؛ اما به دلیل روابط خویشاوندی، او را نکشت و فراری داد. (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹۶-۱۹۷)

۲-۲-۴. زکات اموال منطقه سماوه

معاویه زهیر بن مکحول اجدری را از قبیله کلب برای جمع‌آوری زکات مردم به سماوه فرستاد. پس از آگاهی امیر المؤمنین علیه السلام از این موضوع، امام نیز سه نفر از قبایل بنی‌کلب و بکر بن وائل را که در طاعت وی بودند، برای دریافت زکات آن منطقه اعزام کرد. عرو بن عشبه کلبی که رهبر گروه بود، به فرستادگان معاویه اجازه فرار داد و به امام علیه السلام خیانت کرد. (ثقفی، ۱۳۵۳، ج ۲، ص ۴۶۳) به هر صورت در هر دو درگیری میان امام و معاویه در گرفتن زکات مناطق مرزی، فرستادگان امام به دلیل قصور و خیانت، شکست خوردند؛ لذا امام علیه السلام تصمیم گرفت با اعزام مخنف بن سلیم ازدی که شخصی توانمند و قبلاً حاکم اصفهان و همدان بود، از طریق مذاکره با خود اهالی منطقه، برنامه‌های اقتصادی معاویه را برای تضعیف بنیه مالی حکومت مرکزی دفع کند. (منقری، ۱۳۷۰، ص ۲۵) امیر المؤمنین علیه السلام هنگام اعزام وی به آنجا، دستور العملی طولانی برای او نگاشت. در این نامه به مخنف آمده است:

فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ طَاعَتِنَا مِنْ أَهْلِ الْجَزِيرَةِ وَفِيمَا بَيْنَ الْكُوفَةِ وَارْضِ الشَّامِ
فَادْعِي أَهْلَهُ أَذْيَ صَدَقَتِهِ إِلَى عُمَالِ الشَّامِ وَهُوَ فِي حَوَازِنَا مَمْنُوعٌ قَدْ حَمَمْتُهُ
حَيْلُنَا وَرَجَلُنَا فَلَا تُجْزِ لَهُ ذَلِكَ وَإِنْ كَانَ الْحَقُّ عَلَيَّ مَا زَعَمَ فَإِنَّهُ لَيْسَ لَهُ أَنْ
يُنْزَلَ بِلَادَنَا وَيُودَى صَدَقَةُ مَالِهِ إِلَيْنَا عَدُوًّا. (مغربی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۵۹-۲۶۰)

۳-۲-۴. تلاش برای گرفتن زکات منطقه بی‌طرف دومة الجندل

«دومة الجندل» منطقه‌ای است در شمال غربی «نجد» که حکمین صفین در آنجا نظر خود را اعلام کردند. (دینوری، ۱۳۷۱، ص ۲۴۱) مردم دومة الجندل که از قبیله بنی‌کلب بودند، در اطاعت معاویه نبودند؛ اما با امام علی (ع) هم بیعت نکردند. آنان می‌گفتند: «بر همین حال باقی می‌مانیم تا مردم بر یک امام و رهبر اتفاق نظر پیدا کنند». (ثقفی، ۱۳۵۳، ص ۴۶۰) معاویه پس از اطلاع از این موضوع، مسلم بن عقبه را به آنجا فرستاد تا آن‌ها را محاصره کرده، زکات آن‌ها را بگیرد. (همان، ص ۴۶۱) امام علی (ع) نیز پس از این اقدام معاویه، مالک بن کعب را به این منطقه فرستاد. میان دو گروه جنگ درگرفت. فرستاده معاویه فرار کرد. فرستاده امام چند روز در دومة الجندل ماند؛ اما به دلیل آن‌که پس از مذاکره با مردم منطقه، آن‌ها راضی نشدند امام را به عنوان خلیفه بپذیرند، زکاتی جمع نکرد و به کوفه برگشت. (نویری، ۱۴۲۳، ج ۲۰، ص ۲۵۸)

۳-۴. تخریب زیرساخت‌های اقتصادی قلمرو خلافت امام علی (ع) در اثر غارات

ایجاد اختلاف در صفوف هواداران امام علی (ع) و بروز مشکلات جدی داخلی، عملاً اتحاد و بسیج مجدد سپاه حضرت را ناممکن ساخت. هم‌چنین دلخوری بسیار از عراقیان به خصوص کوفیان که به عنوان حامیان اصلی امام علی (ع) محسوب می‌شدند، پایه‌های وحدت جبهه عراق را از هم پاشید و سبب ضعف روحیه سپاه امام و سستی مردم در حمایت از ایشان به‌ویژه در حوادث غارات شد. مهم‌ترین شکل ظهور این کاهش حمایت‌ها، در جذب رهبران کوفه تجلی یافت و موجب ایجاد فرصت مناسب برای رهبران سیاسی قبایل، مخالفان و منافقان برای بروز مخالفت‌های رسمی علیه خلافت مرکزی شد که پیامدهای اصلی آن، قرارگرفتن ابتکار عمل به دست معاویه و اعزام گروه‌های غارت‌گر از جانب او به نقاط تحت تسلط حضرت و ویران‌سازی زیرساخت‌های اقتصادی حکومت امام علی (ع) بود. معاویه که از اوضاع عراق اطلاع داشت، مصمم شد تا با تجاوز به نواحی مختلف زیر

سلطه امام در جزیره العرب، راه را برای تصرف عراق فراهم آورد. این حملات که اصطلاحاً «غارات» نامیده شده، گاه به گاه انجام می‌یافت و هدف آن ایجاد وحشت، سلب امنیت و تخریب زیرساخت‌های اقتصادی حکومت امام علی علیه السلام بوده است. (جعفریان، ۱۳۷۴، ص ۳۲۳)

۱-۳-۴. حمله به مناطق پروتق جزیره، انبار و هیت

اهمیت انبار به این دلیل بود که این ناحیه محل ذخیره گندم و جو و کاه برای لشکریان ساسانی بوده است. اهمیت دیگر انبار از این جهت بود که در کنار اولین نهر بزرگی قرار داشت که قابل کشتی‌رانی بود و از فرات جدا می‌شد و به دجله می‌ریخت. (لسترنج، ۱۳۶۴، ص ۷۲) در مجاورت انبار، شهری دیگر به نام هیت بود که در کنار رود فرات واقع شده بود. این شهر نیز باروی محکمی داشت و از نعمت و آبادانی برخوردار بود. (مجهول، ۱۴۲۳، ص ۱۶۳) با دقت در مواردی که ذکر شد، متوجه اهمیت اقتصادی این شهرها می‌شویم. احتمالاً یکی از دلایل انتخاب این مناطق برای حمله نیز همین اهمیت بوده است تا ضربات اقتصادی بیشتری به پیکر دولت امام علی علیه السلام وارد شود. وقتی کمیل بن زیاد والی این منطقه، خبر آمدن لشکر شام را شنید، جانشینی در هیت گذاشت و خود برای مقابله با این لشکر از شهر بیرون رفت؛ اما این خروج، باعث شد سوفیان بن عوف، فرمانده شام به راحتی منطقه را غارت نماید و بعد از آن «انبار» را نیز تاراج کند. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۲۲۶) چنین به نظر می‌رسد که خسارات مالی و انسانی این حمله نظامی - اقتصادی معاویه، آن چنان زیاد بوده که امام علی علیه السلام، به شدت از یار صادق خود کمیل خشمگین شد و در نامه‌ای او را به شدت مذمت و ملامت فرمود. (نک: نهج البلاغه، نامه ۶۱) ثقفی به نقل از سفیان بن عوف غامدی می‌نویسد که معاویه به او دستور حمله به مناطق هیت، انبار و مداین را می‌دهد و در این دستور به او می‌گوید:

«... و اعلم أنَّك ان أغرت علي [أهل] الأنبار و أهل المدائن فكأنَّك أغرت

علي الكوفة...». (ثقفی، ۱۳۵۳، ص ۴۶۶)

پس از این‌که امام (ع)، سعید بن قیس همدانی را به تعقیب سپاه سفیان بن عوف فرستاد، آن‌ها به شام فرار کردند و به مداین نرسیدند (ثقفی، ۱۳۵۳، ص ۴۷۱)؛ اما به نظر می‌رسد مناطق انبار یا مداین، اهمیت سیاسی-اقتصادی بسزایی داشته‌اند که معاویه، حمله به این مناطق را معادل حمله به مرکز خلافت می‌داند. او در دستور خود، بر ویرانی زیرساخت‌های اقتصادی تأکید می‌کند؛ زیرا می‌داند آباد ساختن مجدد زیرساخت‌های اقتصادی، زمان طولانی لازم دارد و حتی اگر همه مخارج آن توسط دولت تأمین شود، باز هم آوارگی و در دست‌رس نبودن امکانات حداقلی معیشتی، به شدت بر مردم تأثیر می‌گذارد تا جایی‌که حتی می‌تواند از مرگ بدتر و سخت‌تر باشد:

«... خَافُ الدَّوَائِرَ، وَ خَرِبُ كُلِّ مَا مَرَرْتُ بِهِ [مِنَ الْقُرَى]، وَ أَقْتُلُ كُلَّ مَنْ لَقِيتَ مِنْ لَيْسَ هُوَ عَلَيَّ رَأْيِكَ، وَ أَحْرَبُ الْأَمْوَالِ، فَإِنَّهُ شَبِيهُ بِالْقَتْلِ وَ هُوَ أَوْجَعُ لِلْقُلُوبِ». (ثقفی، ۱۳۵۳، ص ۴۶۷)

مادلونگ معتقد است، این‌گونه دزدی و راهزنی‌های عادی و قتل، ویژگی معمول غارت‌هایی شد که معاویه در سرزمین‌های امام علی (ع) انجام می‌داد و نشان‌دهنده بدعتی سخیف در ماهیت جنگ در میان مسلمانان بود. (مادلونگ، ۱۳۷۷، ص ۳۱۴) یاران معاویه، برای ضربه زدن به پیکر اقتصادی جامعه، حتی از غارت اموال حاجیان و زائران خانه خدا هم خودداری نکردند. (ثقفی، ۱۳۵۳، ص ۶۰۸) سفیان بن عوف، پس از روایت کامل واقعه، اظهار می‌کند: «معاویه سوگند می‌خورد که بعد از اندک زمانی، مردم عراق از علی (ع) فرار می‌کنند و به طرف ما می‌آیند». (ثقفی، ۱۳۵۳، ص ۴۶۸)

۲-۳-۴. حمله بسر به یمن

در اثنای غارت‌گری‌های معاویه، طرف‌داران عثمان در یمن سر به شورش برداشته، با امام علی (ع) به مخالفت برخاستند و از پرداخت زکات امتناع کردند. (ثقفی، ۱۳۵۳، ص ۵۹۴) در این اثنا، بسر با سه‌هزار سوار از دمشق بیرون آمد و رهسپار حجاز و یمن شد. آن‌ها با برنامه حساب‌شده در مناطق مختلف، مردم را به نابودی سرمایه‌های اقتصادی و اموالشان

تهدید می‌کردند. بسر هنگامی که می‌خواست از مکه برود، تأکید کرد که در صورت همراهی نکردن با او، همه را خواهد کشت و دارایی‌های آن‌ها را غارت و تخریب خواهد نمود. (ثقفی، ۱۳۵۳، ص ۶۱۷) لشکر معاویه در این سیر، از هیچ اقدامی برای نابودی جان و اموال مسلمانان فروگذار نکردند. بسر بن اوطاة تا مدینه به هر آب‌گاهی که می‌رسید، شتران آن‌ها را به زور می‌گرفت و نیروهای خود را بر آن شتران تازه‌نفس سوار می‌کرد. (ثقفی، ۱۳۵۳، ص ۶۰۲) در حالی که وقتی امام علی (ع) خواست جاریه بن‌قدمه را به تعقیب بسر بفرستد، در نامه‌ای به او نوشت:

... سِرُّ عَلِيٍّ بَرَكَهَ اللَّهِ حَتَّى تَلْقَى عَدُوَّكَ وَلَا تَحْتَفِرَنَّ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ أَحَدًا وَلَا تُسَخِّرَنَّ بَعِيرًا وَلَا حِمَارًا وَإِنْ تَرَجَّلْتَ وَحَفِيتَ وَلَا تُسْتَأْثِرَنَّ عَلَيَّ أَهْلَ الْمِيَاهِ بِمِيَاهِهِمْ وَلَا تُشْرِبَنَّ مِنْ مِيَاهِهِمْ إِلَّا بِطِيبِ أَنْفُسِهِمْ.... (همان، ص ۶۲۸)

امام حتی با وجود کمبود امکانات نظامی نیز شیوه معاویه را در پیش نگرفت. ایشان در ادامه نامه می‌فرماید: «به پیادگان خود رحم کنید...». (همان) این مطلب، نشان می‌دهد گروهی از سپاه امام، مرکب سواری نداشتند؛ اما امام دستور مؤکد می‌داد که سرمایه‌های اقتصادی مردم را تصاحب نکنند و یاران امام نیز همین‌طور عمل کردند. جاریه بن‌قدمه در حالی که با سرعت حرکت می‌کرد و در بین راه در هیچ‌جا توقف نکرد، متعرض هیچ شهر و قلعه‌ای نشد و فقط برای تهیه آذوقه؛ گاهی در بین راه توقف می‌کردند. او به یاران خود تأکید می‌کرد که با یک‌دیگر مواسات داشته باشند، و هرگاه شتر یکی از آن‌ها از راه رفتن بازماند، باید دیگران مرکب‌های خود را در اختیار آنان بگذارند، و به نوبت سوار شوند. (همان، ص ۶۳۲)

۴-۴. عدم پرداخت خراج توسط اتباع شورشی خوارج

به نظر می‌رسد آشوب‌های اواخر حکومت امام (ع)، از جنگ نهروان و از هم‌پاشیدگی سپاه کوفه سرچشمه می‌گرفت. طبری می‌نویسد:

«لَمَّا قَتَلَ عَلِيٌّ (ع) أَهْلَ التَّهْرَوَانِ، خَالَفَهُ قَوْمٌ كَثِيرٌ، وَانْتَقَصَتْ عَلَيْهِ اطْرَافُهُ... وَطَمَعَ أَهْلُ الْخَرَجِ فِي كَسْرِهِ». (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۱۲۲)

پیش از واقعه صفین، امیرالمؤمنین (ع) خربت بن راشد را والی اهواز نمود؛ اما پس از صفین و رسیدن خبر حکمیت به خربت، او هم عقیده خوارج شد و اموال بیت المال اهواز را برداشت و با همان اموال و امکانات علیه امام (ع) شورش کرد. (ابن اعمش، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۲۴۳) او پس از فرار به فارس، همه افراد قبیله اش را از امام علی (ع) جدا ساخت. در آن سال، قبایل و عشایر اطراف سواحل فارس، به تحریک خربت زکات و مالیات اموال خود را به امام علی (ع) ندادند. (ابن اعمش، ۱۳۷۲، ص ۱۹۱) همین نوع شورش و عدم پرداخت مالیات، در منطقه سیستان نیز صورت پذیرفت که فرماندهان آن افرادی از خوارج به نام های عکة بن غناب حبطی و عمران بن فضیل برجمی بودند. (بلاذری، ۱۳۳۷، ص ۵۵۱) خوارج بر مبنای این اندیشه که بیشتر مسلمانان را کافر می دانستند، (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۳۲۱) هزینه آشوب ها و لشکرکشی های خود را از راه غارت اموال مردم تأمین می کردند. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۷۶) این شیوه غیرمعمول کسب منافع اقتصادی یعنی غنیمت جویی، سبب جذب قشرهای بدوی به این گروه و کاهش امنیت برای سرمایه های اقتصادی مردم در مناطق محل شورش خوارج در زمان خلافت امام (ع) می گردید. (کردی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۹)

نتیجه

امام علی (علیه السلام) در مدت کوتاه خلافت خود، گرفتار سه جنگ داخلی جمل، صفین و نهروان شد. بررسی جنگ‌ها و آشوب‌های داخلی حکومت‌ها، از این منظر که یکی از مهم‌ترین پارامترهای به‌خطر انداختن امنیت اقتصادی است، اهمیت زیادی دارد. این جنگ‌ها و آشوب‌ها که بخش مهمی از رویدادهای تاریخی حکومت امام علی (علیه السلام) را به خود اختصاص داد و از آغاز اسلام تا آن زمان، با چنین وسعت و عمقی در داخل حکومت اسلامی سابقه نداشت، در واقع مقاومت در برابر تلاش امام برای احیای ارزش‌های اصیل اسلامی و تحقق مهم‌ترین هدف اقتصادی اسلام یعنی عدالت بود که رفته‌رفته در سال‌های پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به فراموشی سپرده شده بود. در چنین وضعیتی و پس از مشاهده عزم قطعی برای دگرگونی در وضعیت موجود، بروز طغیان از طرف کسانی که منافع آن‌ها تهدید می‌شد، نتیجه‌ای طبیعی بود و پیامدهای سختی هم به دنبال داشت. آنچه در همه این جنگ‌ها مشترک بود، پیامدهای منفی مختلف و متعدد بر اقتصاد جامعه اسلامی بود که به دلیل گستردگی بحث، به برخی از آن‌ها اشاره شد. بخشی از این لطمات اقتصادی، متوجه مخارج بیت‌المال گردید؛ در حالی که منابع مالی در اختیار امام علی (علیه السلام)، می‌توانست به تولید و تقویت بنیان‌های اقتصادی اختصاص یابد، هزینه‌های مستقیم و پنهان جنگ‌ها، این فرصت را از امام (علیه السلام) سلب نمود. بیت‌المال بصره به عنوان مرکز اداره و محل تجمع منابع مالی بخش وسیعی از قلمرو اسلامی از جمله فارس، خوزستان، سیستان، کرمان، بحرین و خراسان، در جریان جنگ جمل غارت شد. بسیاری از کارگزاران برکنار شده عثمان، ثروت‌های هنگفت خود را از ترس بازگرداندن آن‌ها به بیت‌المال توسط حکومت عدل علوی، گرد آوردند و فرار کردند و این سرمایه‌های عمومی را برای جنگ با خلیفه عادل در جمل هزینه نمودند. به دنبال جریان حکمیت در جنگ صفین، قلمرو اسلامی تجزیه و حکومت مرکزی تضعیف شد؛ در نتیجه، مالیات‌های مناطق مهم اقتصادی مانند مصر و جزیره و مالیات‌های شهرهای مرزی شام و عراق و هم‌چنین مناطق محل شورش خوارج، از

منابع درآمدی دولت علوی حذف گردید. زیرساخت‌های اقتصادی قلمرو خلافت امام علی (علیه السلام) به صورت برنامه‌ریزی‌شده در حوادث غارات تخریب شد و معاویه به هدف خود رسید که تضعیف بنیه اقتصادی حکومت امام علی (علیه السلام) بود.

بررسی تأثیر جنگ‌ها و شورش‌های تحمیل‌شده بر سایر ابعاد اقتصادی حکومت امام علی (علیه السلام) مانند وضعیت عمومی معیشت مردم، بازارها و فعالیت‌های بخش خصوصی و همچنین تولید و کشاورزی، از جمله مواردی است که در موضوع اقتصاد جنگ در دوران خلافت امام علی (علیه السلام)، به پژوهش‌های مستقل نیاز دارد تا داوران را درباره عملکرد اقتصادی حکومت علوی واقع‌بینانه‌تر نماید.

فهرست منابع

۱. ابن‌ابی‌الحدید معتزلی، شرح نهج‌البلاغه، مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۲، ۵، ۸ و ۱۷، الطبعة الاولى، قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴.
۲. ابن‌ابی‌شیبیه، المصنف فی الاحادیث والآثار، محقق: کمال یوسف الحوت، ج ۷، الطبعة الاولى، الرياض: مکتبه الرشد، ۱۴۰۹.
۳. ابن‌اعثم کوفی، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تهران: انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
۴. _____، محقق: علی شیری، ج ۲، ۳ و ۴، الطبعة الاولى، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۱۱.
۵. ابن‌بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، ج ۱، قم: کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵.
۶. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی آله علیه و الله، مصحح: علی‌اکبر غفاری، الطبعة الثانية، قم: جامعه مدرّسین، ۱۴۰۴.
۷. ابن‌خیاط، خلیفه، تاریخ، الطبعة الاولى، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
۸. ابن‌خلدون حضرمی، العبر تاریخ ابن‌خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۱، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
۹. ابن‌الاثیر، عزالدین ابوالحسن علی، الکامل فی التاریخ، ج ۳، بیروت: دارصادر، ۱۳۸۵ق.
۱۰. _____، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، ج ۹ و ۱۰، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱.
۱۱. البلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، الطبعة الاولى، بیروت: دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸.
۱۲. _____، ترجمه محمد توکل، چاپ اول، تهران: نشر نقره، ۱۳۳۷.
۱۳. التوحیدی، علی بن محمد بن العباس ابوحیان، الإمتاع والمؤانسة، الطبعة الأولى، بیروت: المکتبه العنصریة، ۱۴۲۴.
۱۴. ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، الغارات، تحقیق سیدجلال‌الدین محقق، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳ش / ۱۳۹۵ق.
۱۵. جعفریان، رسول، تاریخ خلفا از رحلت پیامبر تا زوال امویان، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.

۱۶. حکیمی، محمدرضا و دیگران، الحیاه، ترجمه احمد آرام، ج ۶، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۷. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چاپ چهارم، تهران: نشر نی، ۱۳۷۱.
۱۸. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه انصاریان، چاپ چهارم، تهران: پیام آزادی، ۱۳۸۰.
۱۹. صادقی، مصطفی، «نقدی بر آمار تلفات جنگ‌های امام علی علیه السلام (جمل، صفی، نهروان)»، فصل‌نامه تاریخ اسلام، شماره هفتم، ۱۳۸۰.
۲۰. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴ و ۵، الطبعة الثانية، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ق.
۲۱. _____، ج ۳ و ۲، الطبعة الثانية، بیروت: دارالمکتبه العلمیه، ۱۴۰۸.
۲۲. _____، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۷-۵، چاپ پنجم، تهران: نشر اساطیر، ۱۳۷۵.
۲۳. فاضل لنکرانی، محمد، آیین کشورداری از دیدگاه امام علی علیه السلام، چاپ پنجم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
۲۴. کردی، رضا، «علل اقتصادی ناخشنودی بومیان شمال آفریقا از وایان عرب در قرن اول و دوم هجری»، فصل‌نامه تاریخ اسلام، سال هشتم، ۱۳۸۶.
۲۵. لسترنج، گای، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی (بین‌النهرین، ایران و آسیای مرکزی از زمان فتوحات مسلمین تا ایام تیمور)، ترجمه محمود عرفان، چاپ دوم، بی‌جا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
۲۶. مادلونگ، ویلفرد، جانشینی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، پژوهشی پیرامون خلافت نخستین، ترجمه احمد نمایی و دیگران، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۷.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۰، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۲۸. مجهول، حدود العالم من الشرق الى المغرب، القاهرة: الدار الثقافیه للنشر، ۱۴۲۳.
۲۹. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.

۳۰. مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان، *الجمال و النصرة لسيد العترة في حرب البصرة*، مصحح علی میرشریفی، الطبعة الاولى، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳.
۳۱. _____، *الطبعة الثانية*، مكتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۶.
۳۲. مغربی، نعمان بن محمد، *دعائم الإسلام*، مصحح: آصف فیضی، ج ۱، چاپ دوم، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام، ۱۳۸۵.
۳۳. منقری، نصر بن مزاحم، *وقعة صفين*، الطبعة الثانية، القاهرة: المؤسسة العربية الحديثة، ۱۳۸۲ق.
۳۴. _____، *پیکار صفین*، ترجمه پرویز اتابکی، چاپ دوم، تهران: انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
۳۵. منتظری مقدم، حامد، «روابط امام علی علیه السلام و معاویه»، *فصلنامه معرفت*، شماره ۵۲، سال ۱۳۸۱.
۳۶. نویری، احمد بن عبد الوهاب، *نهاية الارب في فنون الادب*، ج ۲، قاهره: المؤسسة العامة، بی تا.
۳۷. هروی، جواد، *امام علی و ایران*، مشهد: پژوهش توس، ۱۳۸۲.
۳۸. واقدی، محمد بن سعد کاتب، *الطبقات الكبرى*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۷، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴.
۳۹. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، *تاریخ الیعقوبی*، ج ۲، الطبعة السادسة، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، بی تا.